

پیش‌بینی پرخاشگری کنشی و واکنشی در نوجوانان بر اساس
سبک فرزندپروری ادراک‌شده

Prediction of Reactive and Proactive Aggression among Adolescents
Based on the Perceived Parenting Styles

<https://dx.doi.org/10.29252/jfr.16.3.4>

A. Rezaei, MSc.

Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

M. Dehghani, Ph.D.

Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

M. Heidari, Ph.D.

Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

✉ عاطفه رضایی

دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محسن دهقانی

دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمود حیدری

دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۸/۸/۱۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۹/۹/۱

پذیرش مقاله: ۹۹/۹/۲

Abstract

Aggression is one of the most common mental health problems among adolescents. Some studies distinguish between reactive and proactive aggression and categorize different functions of aggression and identify distinctive antecedents and outcomes.

چکیده

پرخاشگری یکی از مشکلات رایج سلامت ذهنی در میان نوجوانان است. برخی مطالعات با توجه به کارکردهای مختلف این مؤلفه میان دو گونه پرخاشگری کنشی و واکنشی تمایز قائل شده و پیش‌ایندها و نتایج متفاوتی را شناسایی کردند.

✉ Corresponding author: Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran Iran.
Email: At_rezaie@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، ولنجک، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی
پست الکترونیکی: At_rezaie@yahoo.com

This study aims to assess the differential role of perceived parenting style in the prediction of these two types of aggression. Therefore, 138 adolescents were chosen by multi-stage sampling method who completed the Perceived Parenting Style and the Reactive and Proactive Questionnaire (RPQ).

Multivariate Regression Analysis revealed that the authoritative parenting style is a negative predictor of boys' reactive aggression. The authoritarian parenting style also significantly predicts the high levels of reactive aggression among girls. However, neglectful parenting style significantly explained the variance of proactive aggression only among high aggressive participants. Findings support the dichotomy of reactive and proactive aggression relative to the differential family context. Future researches are suggested to examine the interaction of individual and environmental factors for the systematic study of aggression to design effective preventive and treatment interventions.

Keywords: Proactive Aggression, Reactive Aggression, Perceived Parenting Style.

هدف پژوهش حاضر شناسایی نقش متمایز سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی این دو شکل از پرخاشگری است. بدین ترتیب ۱۳۸ نوجوان به روش چندمرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه پرخاشگری کنشی و واکنشی و سبک فرزندپروری ادراک‌شده پاسخ دادند. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان داد که ادراک از سبک فرزندپروری مقتدر بروز کمتر پرخاشگری واکنشی را در پسران پیش‌بینی می‌کند. در دختران نیز سبک فرزندپروری مستبد به طور معناداری بروز بیشتر پرخاشگری واکنشی را پیش‌بینی کرد. همچنین سبک فرزندپروری سهل‌انگار توانست به طور معناداری پرخاشگری کنشی را تنها در میان افرادی که نمرات بالایی از پرخاشگری به دست آوردند، تبیین کند. نتایج این پژوهش بیانگر تفکیک بیان‌شده در پرخاشگری با توجه به تمایز بسترهای خانوادگی است. لزوم مطالعات بیشتر در راستای بررسی کنش عوامل فردی و محیطی در بروز پرخاشگری جهت سبب‌شناسی نظام‌مند پرخاشگری برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی کارآمد مورد بحث قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: پرخاشگری کنشی، پرخاشگری واکنشی، سبک فرزندپروری ادراک‌شده

مقدمه

پرخاشگری در میان کودکان و نوجوانان یکی از مشکلات رایج سلامت ذهنی است که مستلزم مداخلات اساسی است (آلیس، ویز و لاجمن^۱، ۲۰۰۹). شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد پرخاشگری عامل خطرزای مهمی در بروز بزهکاری و اختلال سلوک است (نایجن، مولدر، ایل‌بیگی و همکاران^۲، ۲۰۱۸). بنابراین شناسایی دقیق این مؤلفه و پیش‌بینی آن از اهمیت زیادی برخوردار است. پرخاشگری مفهومی گسترده و چندبعدی است که رفتارهای متعددی را با کارکردهای متفاوت و پیش‌بینی‌های متعدد دربر دارد و به عنوان رفتاری توصیف شده که به قصد ایراد آسیب فیزیکی یا روانی به شخص یا دارایی او صورت می‌گیرد (نلسون و ترینر^۳، ۲۰۰۷؛ وان‌گزن^۴ و همکاران، ۲۰۰۷؛ بلیر^۵، ۲۰۱۶). بر خلاف بروز پرخاشگری و اهمیت بالینی آن، تلاش‌های کمی برای طبقه‌بندی رفتار پرخاشگرانه به صورت سیستماتیک و نظام‌مند در راستای اهداف بالینی صورت گرفته است. این امر ممکن است به دلیل پیچیدگی روان‌شناختی و اجتماعی این رفتار،

عدم یکنواختی در سبب‌شناسی^۶ آن یا ناهمگونی گروه‌های پرخاشگر باشد (وان‌گزن و همکاران، ۲۰۰۷؛ آتکین و استاف^۷، ۱۹۹۳). با این حال شناسایی علل بروز پرخاشگری و طراحی مداخلات سودمند، مستلزم شناسایی اقسام این رفتار و خصوصیات افتراقی هر گونه است (پولمن، اوروبیودوکاسترو، کوپز، وان‌بوکستل و مرک^۸، ۲۰۰۷؛ راپاپورت و توماس^۹، ۲۰۰۴؛ فیت^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۱؛ نلسون و ترینر^{۱۱}، ۲۰۰۷؛ ویتارو، گندرو، ترمبلی و الیگنی^{۱۲}، ۱۹۹۸).

یک مدل رایج میان پرخاشگری وسیله‌ای و خصمانه تمایز قائل می‌شود (نلسون و ترینر، ۲۰۰۷). این تفکیک که همسو با تمایزی است که دادج^{۱۳} و همکارانش (۱۹۹۱، ۱۹۹۸) با عنوان پرخاشگری کنشی^{۱۴} و واکنشی^{۱۵} مطرح کردند (برندگن، ویتارو، ترمبلی و لاوونوی^{۱۶}، ۲۰۰۱؛ جیا^{۱۷} و همکاران، ۲۰۱۴؛ کارون^{۱۸}، ۲۰۱۱)، در مطالعات دیگر تحت عناوین مختلف (تهاجمی، متجاوزانه، خونسردانه، ابزاری و کنترل‌شده در برابر پرخاشگری تدافعی، هیجانی، خونگرمانه، تلافی‌جویانه و تکانشی) شناسایی شده است (ویتارو و همکاران، ۱۹۹۸). پرخاشگری کنشی معمولاً بدون نیاز به محرک خارجی و بدون احساس عصبانیت در قالب وسیله‌ای جهت دستیابی به مقاصد شخصی اتفاق می‌افتد (الیس و همکاران، ۲۰۰۹؛ پولمن و همکاران، ۲۰۰۷؛ وان‌گزن و همکاران، ۲۰۰۷؛ هوبارد، مک‌آلیف، مورو و رومانو^{۱۹}، ۲۰۱۰). بنابراین پاداش یا منفی را برای مرتکب به همراه داشته و هدف‌محور است (بلیر، ۲۰۱۶؛ نلسون و ترینر، ۲۰۰۷؛ ویتارو و همکاران، ۱۹۹۸). این نوع از پرخاشگری به صورت خونسردانه و با انتظار عواقب مثبت اتفاق می‌افتد (پولمن و همکاران، ۲۰۰۷) و بیشتر در اختلالات برون‌ساز شده مانند سلوک یا ضداجتماعی دیده می‌شود (برندگن و همکاران، ۲۰۰۱؛ کارون، ۲۰۱۱) که در آن‌ها پاسخ‌دهی سیستم خودمختار کم و کنشی پاسخ‌های هیجانی سبب بروز پرخاشگری کنشی می‌شود (نلسون و ترینر، ۲۰۰۷). نظریه‌ای که بروز این نوع از پرخاشگری را تبیین می‌کند، یادگیری اجتماعی است. بر اساس این نظریه پرخاشگری، رفتاری اکتسابی است که از طریق شرطی‌سازی نسبت به منافع حاصل از پرخاشگری و یادگیری مشاهده‌ای از مدل‌ها آموخته می‌شود و بر اساس احتمالات اتفاق می‌افتد (پولمن و همکاران، ۲۰۰۷).

پرخاشگری واکنشی همراه با احساس خشم و عصبانیت (الیس و همکاران، ۲۰۰۹؛ پولمن و همکاران، ۲۰۰۷؛ وان‌گزن و همکاران، ۲۰۰۷؛ هوبارد و همکاران، ۲۰۱۰) و با قصد ایراد جراحت یا درد برای قربانی بروز می‌یابد، بدون اینکه منفعتی را برای مرتکب آن حاصل کند (نلسون و ترینر، ۲۰۰۷). این پرخاشگری در پاسخ به تهدید یا محرک خارجی ادراک شده یا واقعی بروز می‌یابد (بلیر، ۲۰۱۶؛ ۲۰۱۰؛ راپاپورت و توماس، ۲۰۰۴؛ فیت و همکاران، ۲۰۱۱؛ هوبارد و همکاران، ۲۰۱۰) و منجر به انتخاب پاسخ پرخاشگرانه از میان سه گزینه انجماد^{۲۰}، گریز^{۲۱} و جنگ^{۲۲} (پرخاشگری واکنشی) است (بلیر، ۲۰۰۱). این نوع پرخاشگری که به عنوان گونه گرم^{۲۳} شناخته می‌شود (دادس و رادس^{۲۴}، ۲۰۰۸) با نقص در حل مسئله در موقعیت‌های اجتماعی همراه بوده (ویتارو و همکاران، ۱۹۹۸) و ذاتاً انتقامی و همراه با تفسیرهای سوگیرانه و خصمانه نسبت به محرک‌های مبهم است (بوبادیللا^{۲۵} و همکاران، ۲۰۱۲؛ آلیس و همکاران، ۲۰۰۹؛ هوبارد و همکاران، ۲۰۱۰). در واقع برانگیختگی بالا (وان‌گزن و همکاران، ۲۰۰۷) سبب کاهش آستانه تحمل و بروز پرخاشگری واکنشی می‌شود (بلیر، ۲۰۱۶). از جمله نظریاتی که این نوع پرخاشگری را توضیح می‌دهد، مدل ناکامی - پرخاشگری^{۲۶} است. این مدل بیان می‌کند که پرخاشگری به دنبال ناکامی اتفاق می‌افتد. بنابراین هر چقدر هدف

مسدود شده بزرگ‌تر باشد، میزان ناکامی بیشتر بوده و در پی آن تکانه‌های پرخاشگری نیز بیشتر است (پولمن و همکاران، ۲۰۰۷).

از میان علل متعدد بروز پرخاشگری، می‌توان به نقش خانواده به عنوان یک عامل محیطی اشاره کرد که این موضوع را تبیین می‌کنند که چرا در برخی محیط‌های به خصوص، بروز پرخاشگری بیشتر است. مطالعات متعددی به نقش والدین به عنوان نخستین و بااهمیت‌ترین منبع جامعه‌پذیری فرزندان و مدلی برای ارتباطات بعدی فرزندان با همسالان اشاره کردند (دلا تورکروز^{۲۷} و همکاران، ۲۰۱۴؛ احدی، حجازی، انتصار، ۲۰۱۴). تعاملاتی که در محیط خانواده شکل می‌گیرد، نقش بسیار مهمی در فرایندهای یادگیری کودکان و نوجوان بازی می‌کند؛ چراکه در خانواده اکتساب رفتارهای اجتماعی صورت می‌گیرد و به سایر محیط‌ها و زمینه‌ها مانند روابط با همسالان تعمیم می‌یابد (لوپز^{۲۸} و همکاران، ۲۰۰۸). رفتارهای والدگری متفاوت و ارتباط والد - کودک با رفتارهای نوع‌دوستانه یا در مقابل رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگرانه که کودکان نسبت به سایر همسالان خود انجام می‌دهند، مرتبط است (دلا تورکروز و همکاران، ۲۰۱۴؛ جیا و همکاران، ۲۰۱۴؛ نیر^{۲۹}، ۲۰۱۴؛ احدی و همکاران، ۲۰۱۴؛ صادقی و همکاران، ۲۰۱۴). از این رو می‌توان سبک‌های فرزندپروری را به واسطه تأثیری که بر ارتباط والد - فرزندی دارند، بر بروز پرخاشگری مؤثر دانست. دو بعد مهم در سبک‌های فرزندپروری، عاطفه (هیجان) و کنترل است (ریچارد^{۳۰}، ۲۰۱۲؛ دلا تورکروز و همکاران، ۲۰۱۴). بدین ترتیب بامریند^{۳۱} (۱۹۷۱، ۱۹۹۱ به نقل از کوپکو^{۳۲}، ۲۰۰۷) چهار سبک فرزندپروری را بر اساس دو عنصر عاطفه (گرمی) و کنترل معرفی کرده است. کنترل والدین به میزانی اشاره دارد که والدین رفتارهای فرزندان را مراقبت می‌کنند و در طیفی از بسیار کنترل‌کننده تا بدون قاعده و کنترل قرار دارد. گرمی و محبت والدین نیز به میزانی اشاره دارد که والدین رفتارهای فرزندان را می‌پذیرند و به آن‌ها پاسخ می‌دهند یا به طور برعکس رفتارهایشان را نپذیرفته و آن‌ها را طرد می‌کنند. هرچند دقیقاً مشخص نیست که چگونه این دو عنصر در تأثیرگذاری بر فرزندان با یکدیگر تعامل دارند، ولی بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که روابطی میان این دو بعد از والدگری و بروز پرخاشگری وجود دارد (آلینک، مسمان، وان‌زیجل، استالک، جافر، بیکرمن - کرانبرگ و کوت^{۳۳}، ۲۰۰۹). ترکیبی از این دو بعد مبنای شکل‌گیری سبک‌های فرزندپروری مختلف است. ترکیبی از سطح بالا و پایین عاطفه و کنترل سبب شکل‌گیری چهار سبک فرزندپروری مقتدر^{۳۴}، سهل‌گیر^{۳۵}، مستبد^{۳۶} و سهل‌انگار^{۳۷} می‌شود.

مطالعات معدودی به بررسی ارتباط سبک فرزندپروری با رفتار پرخاشگرانه پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که رفتارهای حمایت‌کننده والدین در مقایسه با رفتارهای سخت‌گیرانه نتایج مخرب کمتری به همراه دارد (جیا و همکاران، ۲۰۱۴؛ هاسکینز^{۳۸}، ۲۰۱۴). فرزندان چنین والدینی به میزان کمتری مرتکب سوءمصرف مواد شده و مشکلات برونی‌سازی شده کمتری از خود نشان می‌دهند (هاسکینز، ۲۰۱۴). از طرفی فرزندان والدین دارای سبک سهل‌گیر وجود محدودیت و قوانین را یاد نمی‌گیرند، بنابراین خودکنترلی را فرانگرفته و این امر می‌تواند به مشکلاتی در گسترش روابط مناسب با همسالان منجر شود (کوپکو، ۲۰۰۷). در واقع این سبک فرزندپروری که همراه با بی‌قانونی و آزادی کامل فرزندان است (نیر، ۲۰۱۴؛ دلا تورکروز و همکاران، ۲۰۱۴)، با اختلالات برونی‌سازی شده، سوءرفتار در مدرسه و سوءمصرف مواد در نوجوانان همراه است (هاسکینز، ۲۰۱۴). هم‌چنین فرزندان در خانواده‌ای با سبک فرزندپروری مستبد که تأکید بر اطاعت

بی‌قید و شرط و احترام برای اقتدار والدین است (دلاتورکروز و همکاران، ۲۰۱۴)، می‌آموزند که پیروی از دستورات سخت‌گیرانه والدین بر رفتارهای مستقلانه اولویت دارد. در نتیجه ممکن است نوجوانان در این وضعیت شورش‌ی شده و به احتمال زیادی رفتارهای پرخاشگرانه از خود نشان دهند (کوپکو، ۲۰۰۷). در سبک سهل‌انگار (بی‌تفاوت) نیز ممکن است نوجوان به سمت رفتارهای تکانشی سوق داده شود (کوپکو، ۲۰۰۷). در این حالت که مشخصه آن بی‌تفاوتی نسبت به خواسته‌ها و تجارب فرزندان است، والدین تعامل بسیار محدودی با فرزندان داشته و نه تنها گرمی و محبتی ابراز نمی‌کنند؛ بلکه رفتارشان فاقد کنترل است (کوپکو، ۲۰۰۷؛ هاسکینز، ۲۰۱۴؛ دلاتورکروز و همکاران، ۲۰۱۴) و به طور کلی با توجه به ادبیات نظری و پژوهشی در این زمینه چنین به نظر می‌رسد که پرخاشگری واکنشی در پی تجارب فرد در محیط‌های تهدیدکننده، غیرقابل پیش‌بینی و سخت‌گیرانه رشد می‌یابد (بیکر، راین، لئو و جاکوبسن^{۳۹}، ۲۰۰۸). در مقابل پرخاشگری کنشی در محیط‌های حمایت‌کننده^{۴۰} بروز می‌یابد که استفاده از پرخاشگری را در راستای رسیدن به اهداف شخصی پرورش می‌دهد (برندگن و همکاران، ۲۰۰۶). بنابراین فرزندان والدین تنبیه‌گر و بسیار کنترل‌کننده، پرخاشگری واکنشی از خود نشان می‌دهند؛ در حالی که یادگیری پرخاشگری کنشی به دلیل کسب پاداش منتج از چنین رفتارهایی و مشاهده پرخاشگری در والدین است (بیکر و همکاران، ۲۰۰۸؛ ویتارو و همکاران، ۲۰۰۲).

با توجه به پیشایندها و پیامدهای متمایز برای دو گونه پرخاشگری مذکور و در نظر داشتن آسیب‌پذیری نوجوانان دارای پرخاشگری کنشی نسبت به ناپهنجاری‌های رفتاری جدی (بروگمن، کورنت، اسمیچرز و همکاران^{۴۱}، ۲۰۱۷؛ اسمیت، استرمیجر و همکاران^{۴۲}، ۲۰۱۶)، لازم است همبسته‌های متمایز و زمینه‌های رشددهنده این دو گونه پرخاشگری شناسایی شود. خلاء پژوهشی در جامعه ایرانی در این زمینه و لزوم شناسایی دقیق‌تر پیشایندهای پرخاشگری جهت طراحی مداخلات پیشگیرانه مؤثر سبب شد تا این پژوهش سهم سبک‌های فرزندپروری را در پیش‌بینی پرخاشگری کنشی و واکنشی در میان دو گروه جنسیتی به تفکیک بررسی کند. آنچه سبب تمایز این پژوهش می‌شود، در نظر داشتن دو گونه کارکردی پرخاشگری و هم‌چنین توجه به سبک فرزندپروری ادراک‌شده توسط خود نوجوان و نه به گزارش والدین در دو گروه جنسیتی است.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر در زمره تحقیقات توصیفی - همبستگی است. از آنجا که شدت پرخاشگری در سال‌های اولیه دبیرستان بیشترین میزان است (مارکوس^{۴۳}، ۲۰۰۷). جامعه آماری این تحقیق دانش‌آموزان دختر و پسر دوره اول متوسطه شهرستان یزد است. با توجه به این‌که برای مطالعات رگرسیون چندمتغیری تعداد مطلوب نمونه ۲۰-۱۵ شرکت‌کننده به ازای هر متغیر پیش‌بین است (هیر، بلک، بابین و اندرسون^{۴۴}، ۲۰۰۹)، در این مطالعه با وجود چهار متغیر پیش‌بین تعداد ۶۰ نفر برای هر گروه جنسیتی کفایت می‌کند. بدین ترتیب جهت اجرای پژوهش پس از اخذ مجوزهای لازم از هر منطقه آموزشی شهرستان یزد، سه مدرسه دخترانه و پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس از میان دانش‌آموزان کلاس ۷ تا ۹ مجموعاً ۱۴۵ نفر

به صورت در دسترس مورد آزمون قرار گرفتند. از میان این دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۴ ساله داده‌های هفت نفر به دلیل پرت بودن از محاسبات خارج شد. بنابراین نمونه نهایی شامل ۱۳۸ دانش‌آموز متشکل از ۶۴ دختر و ۷۴ پسر بود که ۳۷ نفر از آن‌ها در مقطع هفتم، ۴۴ نفر در مقطع هشتم و ۵۷ نفر در مقطع نهم مشغول به تحصیل بودند. همچنین ۱۹، ۳۰ و ۸۹ نفر از این شرکت‌کنندگان به ترتیب ۱۲، ۱۳ و ۱۴ سال سن داشتند. در این پژوهش از پرسشنامه‌های زیر استفاده شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

پرسشنامه سبک فرزندپروری ادراک‌شده (PSQ)^{۴۴}: این پرسشنامه توسط نقاشیان^{۴۵} (۱۳۵۸) تهیه شده که ابعاد مختلف کنترل - آزادی (سخت‌گیری - سهل‌گیری) و محبت - طرد را در روابط خانوادگی و در روابط والد و فرزند از نگرش آزمودنی‌ها مورد سنجش قرار می‌دهد. ضریب پایایی^{۴۶} این پرسشنامه ۷۷ ماده‌ای توسط سازنده آن ۰/۷۸ گزارش شده است. در پژوهش حیدری، دهقانی و خداپناهی^{۴۷} (۱۳۸۸) که روی نمونه‌های دانشجویی صورت گرفت، همسانی درونی برای بعد کنترل - آزادی ۰/۸۴ و برای بعد محبت - طرد ۰/۹۶ به دست آمد. در پژوهش پاکدامن و خانجانی^{۴۸} (۱۳۹۰) همسانی درونی سؤالات با استفاده از آلفای کرونباخ برای بعد کنترل - آزادی ۰/۶۷ و برای بعد محبت - طرد ۰/۹۵ به دست آمد. ضریب اعتبار تنصیف این پرسشنامه توسط نقاشیان (۱۳۵۸) ۰/۶۷ گزارش شده است. یعقوب‌خانی^{۴۹} (۱۳۷۲) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با استفاده از چرخش واریماکس دو عامل اصلی را برای این پرسشنامه شناسایی کرد که تحت عنوان محبت و مهار نام‌گذاری کرد. آلفای کرونباخ به دست آمده برای بعد مهار ۰/۶۳ و برای بعد محبت ۰/۸۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۲ گزارش شده است. در این مطالعه آلفای کرونباخ برای بعد محبت، مهار و نمره کل به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۷ و ۰/۸۴ به دست آمد.

این پرسشنامه بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. نمرات این پرسشنامه در دو بعد کنترل - آزادی (سؤالات ۱ تا ۱۴ به طور مستقیم و سؤالات ۱۵ تا ۴۲ به شکل معکوس) و بعد محبت - طرد (سؤالات ۴۳ تا ۶۰ به شکل مستقیم و سؤالات ۶۱ تا ۷۷ به شکل معکوس) صورت می‌گیرد. سپس میانگین نمرات در هر دو بعد محاسبه شده و کسانی که در هر بعد نمرات مساوی یا بالاتر از میانگین داشته باشند، به عنوان کسانی که کنترل بالایی بر آن‌ها اعمال شده یا محبت زیادی دریافت می‌کنند، در نظر گرفته می‌شوند. بدین ترتیب از ترکیب این ابعاد چهار سبک فرزندپروری به صورت زیر به دست می‌آید:

- سبک فرزندپروری مقتدر: کنترل زیاد و محبت زیاد
- سبک فرزندپروری سهل‌گیر: کنترل کم و محبت زیاد
- سبک فرزندپروری مستبد: کنترل زیاد و محبت کم
- سبک فرزندپروری سهل‌انگار: کنترل کم و محبت کم

پرسشنامه پرخاشگری کنشی و واکنشی (PRQ): این پرسشنامه خودگزارشی ۲۳ عبارتی توسط راین و همکاران (۲۰۰۶) تهیه و اعتباریابی شده است. عبارات این پرسشنامه هر دو شکل فیزیکی و کلامی پرخاشگری کنشی و واکنشی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هر عبارت بر پایه مقیاس سه‌رتبه‌ای لیکرت (هرگز، گاهی، اغلب) تنظیم شده است. این پرسشنامه سه نمره در پرخاشگری کنشی (سؤالات ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۰، ۱۲،

۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱ و ۲۳)، واکنشی (سؤالات ۱، ۳، ۵، ۷، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۱۹) و پرخاشگری کلی ارائه می‌دهد. راین و همکارانش (۲۰۰۶) روی گروهی از کودکان و نوجوانان به تحلیل عامل تأییدی این پرسشنامه پرداختند. نتایج این مطالعه حاکی از شاخص‌های مطلوب برازندگی برای دو سازه متمایز پرخاشگری کنشی و واکنشی است. نتایج چندین مطالعه حاکی از اعتبار^{۵۱} و پایایی این پرسشنامه است (بیکر و همکاران، ۲۰۰۸). همسانی درونی برای خرده‌مقیاس‌های پرخاشگری کنشی ($\alpha=0/85$) و برای پرخاشگری واکنشی ($\alpha=0/84$) خوب بوده است (فیت و همکاران، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش (رضایی، ۱۳۹۵) نشان داد که شاخص‌های برازندگی برای مدل دوعاملی مطلوب‌تر و گویای‌تر از مدل با داده‌هاست. هم‌چنین ضریب بازآزمایی این پرسشنامه برای پرخاشگری کنشی، واکنشی و پرخاشگری کلی به ترتیب ۰/۷۰۴، ۰/۵۷ و ۰/۶۷ بود. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای پرخاشگری واکنشی، کنشی و کلی به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۵ و ۰/۸۴ به دست آمد.

روند اجرای پژوهش

در این مطالعه پس از مراجعه به مدارس با اجازه و معرفی کادر مدرسه و کسب رضایت کتبی از شرکت‌کنندگان، ابتدا پرسشنامه سبک فرزندپروری ادراک‌شده و سپس پرسشنامه پرخاشگری کنشی و واکنشی به آن‌ها ارائه شد. پیش از شروع آزمون‌ها معیارهای خروج بررسی می‌شد. پس از توزیع پرسشنامه‌ها و پیش از پاسخ‌دهی، نکات و توضیحات لازم مطرح می‌شد. در این مرحله چنانچه آزمودنی جهت فهم کامل عبارتی دچار مشکل بود، توضیحات لازم برای هر فرد ارائه می‌شد. در پایان نیز پرسشنامه‌ها از نظر کامل بودن مورد بررسی قرار می‌گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مناسب استفاده شد. جهت گزارش مشخصه‌های آماری متغیرهای اصلی تحقیق از روش‌های توصیفی مانند شاخص‌های گرایش به مرکز و توزیع فراوانی استفاده شد. جهت بررسی روابط میان متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و برای پیش‌بینی پرخاشگری کنشی و واکنشی از رگرسیون چندمتغیری سلسله‌مراتبی استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. شاخص‌های توصیفی پژوهش به تفکیک جنسیت در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی پرخاشگری کنشی، واکنشی و سبک‌های فرزندپروری به تفکیک جنسیت

متغیر	دختر		پسر	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
پرخاشگری کنشی	۲/۷۵	۲/۱۹۷	۴/۲۸	۲/۷۷۷
پرخاشگری واکنشی	۱۰/۴۲	۳/۴۱۷	۹/۵۱	۳/۰۰۸
سبک سهل‌گیر	۰/۲۳	۰/۴۲	۰/۱۸	۰/۳۹
سبک سهل‌انگار	۰/۱۶	۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۴۳
سبک مقتدر	۰/۳۹	۰/۴۹	۰/۴۱	۰/۴۹
سبک مستبد	۰/۲۲	۰/۴۱	۰/۱۶	۰/۳۶

جهت شناسایی سهم سبک فرزندپروری در بروز پرخاشگری کنشی و واکنشی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. ابتدا ماتریس همبستگی دو گونه پرخاشگری و سبک‌های فرزندپروری به دست آمد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی برای متغیرهای پرخاشگری کنشی، واکنشی و سبک‌های فرزندپروری

متغیرها	ضریب همبستگی					
	پرخاشگری کنشی			پرخاشگری واکنشی		
گروه	دختر	پسر	کل	دختر	پسر	کل
سبک سهل‌گیر	۰/۱۷	-۰/۱۵	-۰/۰۱	-۰/۰۹	۰/۱۴	-۰/۰۱
سبک سهل‌انگار	-۰/۰۲	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۱۹*	۰/۱۴
سبک مقتدر	-۰/۱۲	-۰/۰۷	-۰/۱۱	-۰/۲۵*	-۰/۳۴**	-۰/۲۸**
سبک مستبد	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۰۳۶	۰/۳۱**	۰/۰۸	۰/۱۹*

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

مطابق با جدول ۲ پرخاشگری کنشی با هیچ یک از انواع سبک فرزندپروری در میان گروه دختر و پسر ارتباط معناداری نشان نداد و همبستگی این نوع پرخاشگری با سبک فرزندپروری سهل‌گیر فقط در میان دختران معنادار بود ($p < 0.01$ و $r = 0.17$). با این حال پرخاشگری واکنشی در دختران با سبک فرزندپروری مقتدر ($p < 0.01$ و $r = -0.25$) رابطه منفی و با سبک فرزندپروری مستبد ($p < 0.01$ و $r = 0.31$) رابطه مثبت معنادار نشان داد. در میان پسران نیز دو سبک مقتدر ($p < 0.01$ و $r = -0.34$) و سهل‌انگار ($p < 0.01$ و $r = 0.19$) به ترتیب رابطه منفی و مثبت معنادار با پرخاشگری واکنشی نشان دادند.

جهت بررسی سهم سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی دو گونه پرخاشگری، از تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی با بررسی سایر مفروضات اساسی این تحلیل (استقلال خطاها، نرمال بودن خطاها و هم‌خطی با فرمان خارج‌سازی داده‌های دارای سه انحراف استاندارد پرت به روش گام‌به‌گام جهت شناسایی سبک فرزندپروری که بیشترین سهم را در پیش‌بینی پرخاشگری کنشی و واکنشی دارد) استفاده شد.

در مدل پیش‌بینی پرخاشگری واکنشی با توجه به همبستگی معنادار میان دو گونه پرخاشگری کنشی و واکنشی ($p < 0.01$ و $r = 0.44$)، جهت کنترل تأثیر پرخاشگری کنشی، این متغیر در مرحله نخست وارد شد و سپس در مرحله دوم سبک‌های فرزندپروری (مقتدر، مستبد، سهل‌گیر و سهل‌انگار) وارد شدند. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی به روش گام‌به‌گام برای پیش‌بینی پرخاشگری واکنشی به تفکیک جنسیت نشان داد که مدل رگرسیون هم در دختران ($F(2,61) = 11.697$) و هم در پسران ($F(2,71) = 26.405$) از معناداری برخوردار است. بدین ترتیب در دختران پرخاشگری کنشی در مرحله نخست به طور معناداری ۱۹ درصد از واریانس پرخاشگری واکنشی را پیش‌بینی می‌کرد ($P < 0.001$ و $F(1,62) = 15.006$). پس از وارد شدن سبک‌های فرزندپروری در گام دوم، مجموع واریانس تبیین‌شده به ۲۷ درصد افزایش پیدا کرد که این تغییر

معنادار بود ($P < 0/01$) و $F(1,61) = 6/948$. بدین ترتیب به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار سبک فرزندپروری مستبد در انحراف معیار پرخاشگری واکنشی تقریباً $0/28$ تغییر ایجاد می‌شود ($P < 0/01$) و $t = -2/63$. در پسران نیز پرخاشگری کنشی به طور معناداری در گام نخست 35 درصد از واریانس پرخاشگری واکنشی را تبیین می‌کرد ($P < 0/01$) و $F(1,72) = 38/916$. با افزودن سبک‌های فرزندپروری، واریانس تبیین‌شده به طور معناداری هفت درصد افزایش پیدا کرد ($P < 0/01$) و $F(1,71) = 9/37$ و مدل رگرسیون توانست مجموعاً 42 درصد از واریانس پرخاشگری واکنشی را تبیین کند. بدین ترتیب تنها سبک فرزندپروری مقتدر توانست به طور معناداری پرخاشگری واکنشی را به صورت منفی پیش‌بینی کند ($P < 0/01$) و $t = -3/06$ و $\beta = -0/27$.

جدول ۳: خلاصه تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی به روش گام‌به‌گام جهت پیش‌بینی

پرخاشگری واکنشی به تفکیک جنسیت

گروه	مدل	متغیر پیش‌بین	β	t	R	R^2	R^2 تعدیل‌شده	R^2 تغییر
♂	۱	پرخاشگری کنشی	۰/۴۴۱	۳/۸۷۴***	۰/۴۴	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۱۹
	۲	پرخاشگری کنشی	۰/۴۲۴	۳/۸۸۸***	۰/۵۲	۰/۲۷	۰/۲۵	۰/۰۸
		سبک فرزندپروری مستبد	۰/۲۸۷	۲/۶۳**				
♀	۱	پرخاشگری کنشی	۰/۵۹۲	۶/۳۳۸***	۰/۵۹	۰/۳۵	۰/۳۴	۰/۳۵
	۲	پرخاشگری کنشی	۰/۵۷۱	۶/۳۳۴***	۰/۶۵	۰/۴۲	۰/۴۱	۰/۰۷
		سبک فرزندپروری مقتدر	-۰/۲۷۶	-۳/۰۶۱**				

* $P < 0/01$ ** $P < 0/05$ *** $P < 0/01$

با توجه به این‌که پرخاشگری کنشی با هیچ یک از سبک‌های فرزندپروری همبستگی معناداری نشان نداد، ماتریس همبستگی در میان افرادی که نمرات پرخاشگری کنشی آن‌ها بالاتر از میانگین ($M \geq 3$) بود، مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب در میان افراد با پرخاشگری کنشی بالا تنها میان ادراک از سبک فرزندپروری سهل‌انگار و پرخاشگری کنشی ارتباط معنادار و مثبتی یافت شد ($P < 0/05$ و $r = 0/23$). با توجه به کاهش نمونه به 80 نفر، امکان تفکیک جنسیتی وجود نداشت؛ بنابراین تحلیل رگرسیون چندمتغیری با بررسی سایر مفروضات اساسی این تحلیل (استقلال خطاها، نرمال بودن خطاها و هم‌خطی) و به روش گام‌به‌گام در کل جمعیت انجام شد. با توجه به این‌که با انتخاب افراد با پرخاشگری کنشی بالا، نیازی به کنترل پرخاشگری واکنشی وجود نداشت، سبک‌های فرزندپروری (مقتدر، مستبد، سهل‌گیر و سهل‌انگار) به عنوان متغیر پیش‌بین وارد شدند.

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری به روش گام‌به‌گام برای پیش‌بینی پرخاشگری کنشی نشان داد که مدل رگرسیون $F(1,78) = 4/457$ از معناداری برخوردار است. بدین ترتیب به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار سبک فرزندپروری سهل‌انگار، در انحراف معیار پرخاشگری کنشی تقریباً $0/23$ تغییر ایجاد می‌شود و این سبک می‌تواند به طور معناداری تقریباً پنج درصد از واریانس پرخاشگری را تبیین کند (جدول ۴).

جدول ۴: خلاصه تحلیل رگرسیون چندمتغیری به روش گام‌به‌گام

جهت پیش‌بینی پرخاشگری کنشی

متغیر پیش‌بین	β	t	R	R^2	R^2 تعدیل‌شده	P
سبک فرزندپروری سهل‌انگار	۰/۲۳۳	۲/۱۱۱	۰/۲۳۳	۰/۰۵۴	۰/۰۴۲	۰/۰۲۸

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت و رواج بیشتر پرخاشگری در دوران نوجوانی، لازم است بسترهای تسهیل‌کننده و عوامل مؤثر بر بروز پرخاشگری مورد بررسی دقیق قرار گیرد. ادبیات پژوهشی حاکی از وجود دو گونه متمایز پرخاشگری با پیشایندها و پیامدهای اختصاصی تحت عنوان پرخاشگری کنشی و واکنشی است. مطالعه حاضر با هدف بررسی سهم سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی این دو گونه پرخاشگری در میان نوجوانان دختر و پسر صورت گرفت. نتایج این مطالعه به صورت کلی تأییدکننده تمایز پرخاشگری کنشی و واکنشی بر اساس سبک‌های فرزندپروری پیش‌بینی‌کننده آن‌ها بود. بدین صورت که سبک فرزندپروری مستبد و مقتدر به ترتیب در میان دختران و پسران به طور معناداری پرخاشگری واکنشی را پیش‌بینی کرد. با این حال در گروه‌های با پرخاشگری بالا، تنها سبک فرزندپروری سهل‌انگار به صورت مثبت و معناداری توانست پرخاشگری کنشی را پیش‌بینی کند.

همبستگی پرخاشگری کنشی و سبک فرزندپروری سهل‌انگار همسو با نتایجی (ترناس و همکاران، ۲۰۱۳) است که چنین محیط‌هایی را در بروز پرخاشگری کنشی، تسهیل‌کننده می‌دانند (برندگن و همکاران، ۲۰۰۶). بدین ترتیب با توجه به این که پرخاشگری کنشی در پی یادگیری و جهت‌دستیابی به اهداف و منابعی خاص به وقوع می‌پیوندد، می‌توان بیان داشت که سبک فرزندپروری سهل‌انگار بیانگر محیطی خانوادگی است که در آن والدین نظارت و کنترلی بر رفتارهای فرزندشان ندارند و به همین دلیل شرایط برای فرزندان جهت دستیابی به خواسته‌ها و اهدافشان از طریق پرخاشگری فراهم است. از سوی دیگر با توجه به اینکه ارتباط میان سبک فرزندپروری سهل‌انگار و رفتارهای بزهکارانه در برخی از مطالعات دیده شده است (هوثو و همکاران، ۲۰۰۹) بنابراین از آنجایی که پرخاشگری کنشی در بسیاری از موارد به رفتارهای بزهکارانه می‌انجامد، می‌توان بیان داشت که سبک سهل‌انگار با ایجاد بستری مناسب جهت بروز پرخاشگری کنشی زمینه را برای بروز رفتارهای بزهکارانه بعدی فراهم می‌کند. در واقع طبق نظر دادج (۱۹۹۱) پرخاشگری کنشی حاصل نوعی از سبک فرزندپروری است که صراحتاً یا به طور ضمنی بروز پرخاشگری را تشویق می‌کند و به نظر می‌رسد سبک فرزندپروری سهل‌انگار با داشتن چنین خصوصیتی فرصت لازم برای درگیری نوجوانان در پرخاشگری را فراهم می‌کند. با توجه به این که سبک سهل‌انگار در مقایسه با سه سبک دیگر بیشترین ضرر را برای نوجوان دارد و با خودپنداره منفی، افسردگی بیشتر، سوءمصرف مواد، مصرف الکل و مشکلات برونی‌سازی شده در نوجوانان همراه است (هاسکینز، ۲۰۱۴)، بنابراین یکی از این پیامدها می‌تواند بروز پرخاشگری کنشی باشد که نوجوان را در معرض آسیب‌های جدی و مشکلات گسترده اجتماعی قرار می‌دهد و نسبت به پرخاشگری واکنشی با پیامدهای جدی‌تری روبه‌رو می‌کند (بروگمن و همکاران، ۲۰۱۷؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۱۶). به هر حال این ارتباط حاصل ادراک نوجوانان با نمرات پرخاشگری کنشی بالا از سبک

فرزندپروری حاکم در خانواده است. بنابراین جهت دستیابی به نتایج دقیق‌تر نه تنها لازم است از گزارش‌های والدین نیز استفاده کرد؛ بلکه به دلیل تفاوت زیاد میان سبک فرزندپروری پدر و مادر (ترانس و همکاران، ۲۰۱۳)، لازم است ادراک نوجوان از سبک فرزندپروری هر دو والد را به طور جداگانه بررسی کرد. هم‌چنین با توجه به معنادار شدن این ارتباط تنها در میان طیف بالای پرخاشگری کنشی، امکان بررسی تفکیک جنسیتی و بررسی نحوه تأثیرگذاری این سبک بر پرخاشگری در میان دختر و پسر به صورت جداگانه به دلیل کاهش نمونه وجود نداشت.

نتایج در زمینه همبستگی میان سبک فرزندپروری و پرخاشگری واکنشی بیانگر ارتباط مثبت با سبک فرزندپروری مستبد و ارتباط منفی با سبک فرزندپروری مقتدر بود. هم‌چنین سبک فرزندپروری سهل‌انگار نیز گرایش به معناداری داشت. با این حال سبک فرزندپروری مقتدر در مقایسه با سبک مستبد همبستگی بیشتر و قوی‌تری را نشان داد. با توجه به این‌که بسیاری از مطالعات سبک فرزندپروری مقتدر را عامل محافظت‌کننده‌ای در برابر پرخاشگری به صورت کلی یافتند و همبستگی منفی بین این دو گزارش کردند (آهنگر، شریفی و فرج‌زاده، ۱۳۹۰؛ عمرانی، ۱۳۹۶؛ حسینی قیداری، ۱۳۹۳؛ سجادی، سرابیان و شریفی، ۱۳۹۲؛ ذبیحی و حجازی، ۲۰۱۱)، می‌توان بیان داشت که هر چقدر ادراک نوجوان متناسب با سبک فرزندپروری مقتدر باشد، بروز پرخاشگری به شکل واکنشی که گونه رایج‌تری از پرخاشگری در مقایسه با پرخاشگری کنشی است، کمتر خواهد بود. این رابطه با توجه به وجود کنترل و عاطفه مطلوب به طور هم‌زمان و ارتباط مناسب والد - کودک در این سبک فرزندپروری توجیه‌پذیر است. والدین در این سبک رفتارهای کودکان را نظارت می‌کنند و زمانی که دستوراتشان رعایت نشود، از قدرت و اقتدارشان استفاده می‌کنند (دلانورکروز و همکاران، ۲۰۱۴). یک عنصر اساسی در رشد و پرورش کودک توانایی والدین در اعمال اصول و قوانین تربیتی با گرمی و محبت و به روش منطقی است (آلینک و همکاران، ۲۰۰۹). فرزندان در چنین فضایی به دلیل وجود نظارت و کنترل مناسب بر رفتارهایشان می‌آموزند که به حقوق یکدیگر احترام بگذارند. هم‌چنین والدین مقتدر نسبت به فرزندان‌شان پاسخگو بوده و بیشتر از رفتارهای حمایت‌کننده در مقابل رفتارهای سخت‌گیرانه استفاده می‌کنند.

زمانی که این همبستگی به تفکیک جنسیت انجام شد، نتایج بیانگر همبستگی منفی معنادار میان پرخاشگری واکنشی و سبک فرزندپروری مقتدر در پسران بود، در حالی که در مورد دختران در کنار این همبستگی، سبک فرزندپروری مستبد نیز همبستگی منفی قوی‌تری را به طور معنادار نشان داد. تنها همین سبک هم توانست به طور معناداری پرخاشگری دختران را پیش‌بینی کند، ولی در پسران سبک فرزندپروری مقتدر به عنوان پیش‌بینی‌کننده عمل کرد. این تفاوت یافته‌ها در میان دو جنس همسو با مطالعاتی است که تأثیر سبک فرزندپروری را وابسته به جنسیت می‌دانند (دواری، ۲۰۰۴). بنابراین سبک فرزندپروری در محافظت از مشکلات رفتاری نوجوانان یا در شکل‌گیری مشکلات رفتاری می‌تواند تحت تأثیر جنسیت نوجوان قرار گیرد. یافته‌هایی که بر ارتباط اصول والدگری سخت‌گیرانه^{۵۲} و بروز پرخاشگری تأکید دارند (استینبرگ^{۵۳}، ۲۰۰۰؛ کمبس - رونتو^{۵۴}، ۲۰۰۸؛ عمرانی، ۱۳۹۶) نیز مؤید نتایج این مطالعه در زمینه ارتباط پرخاشگری و سبک فرزندپروری مستبد در دختران هستند.

هم‌چنین با توجه به این‌که سبک فرزندپروری مقتدر مطلوب‌ترین نوع بوده که سبب می‌شود فرزندان پخته‌تر، مستقل و مسئولیت‌پذیر باشند (کوپکو، ۲۰۰۷)، بنابراین می‌توان کاهش رفتارهای پرخاشگرانه را نیز در این گروه انتظار داشت. از سوی دیگر در سبک فرزندپروری مستبد، والدین سعی بر کنترل بیش از حد رفتار فرزندان خود داشته، بسیار سخت‌گیر و مقررراتی هستند و از روش‌های تنبیهی و محدودکننده زیاد استفاده می‌کنند (نیر، ۲۰۱۴). این والدین در کنار اصرار بر متابعت فرزندان‌شان، از محبت و گرمای کمی نیز برخوردار هستند. با در نظر داشتن این نکته که پرخاشگری واکنشی در پی بروز محرک خصمانه بروز می‌یابد و منتج از ناکامی بوده، می‌توان بیان داشت که والدین دارای سبک فرزندپروری مستبد که اعتقاد دارند فرزندشان باید بدون هیچ سؤال و بحثی قوانین را قبول کند و با آن‌ها وارد بحث و مذاکره نمی‌شوند (هاسکینز، ۲۰۱۴)، زمینه بروز ناکامی‌های گسترده و در پی آن نوع از پرخاشگری را فراهم می‌سازند. این یافته همسو با مطالعاتی است که به طور کلی پرخاشگری بیشتر را در میان خانواده‌هایی با سبک فرزندپروری مستبد نشان داده است (حسینی قیداری، ۱۳۹۳).

به طور کلی رفتارهای پرخاشگرانه به عنوان نمودی از ویژگی‌های شخصیتی فرد حاصل تربیت و طبیعت است. تربیت به عنوان عاملی محیطی به شرایط اجتماعی و فرهنگی فرد اشاره داشته و طبیعت نیز به عنوان عاملی فردی، عوامل زیستی و روانی را دربر می‌گیرد. بنابراین جهت شناخت کامل این‌گونه رفتارها، هم‌چون شناخت شخصیت فرد، لازم است تمامی این جوانب را مدنظر قرار داد. نگاهی تک‌بعدی به هر عامل یا ارزش‌گذاری بیش از حد برای آن سبب شناخت ناقص و خطا در ارزیابی دقیق این پدیده می‌شود. نتایج این مطالعه در زمینه ارتباط سبک فرزندپروری و پرخاشگری کنشی و واکنشی بیانگر نقش متمایز سبک‌های فرزندپروری در شکل‌گیری پرخاشگری کنشی و واکنشی بود. هم‌چنین این ارتباط در میان دو گروه جنسیتی به صورت متفاوتی دیده شد که نشان‌دهنده اهمیت مطالعات اختصاصی و سبب‌شناسی به تفکیک سن و جنس نوجوانان است. هرچند ضریب تعیین و همبستگی پایین در این مطالعه نتیجه‌گیری در زمینه پیشایندهای اختصاصی پرخاشگری کنشی و واکنشی را از میان سبک‌های فرزندپروری با دشواری مواجه می‌سازد، ولی نقطه قوت این پژوهش در نظر داشتن دو گونه کارکردی پرخاشگری با استفاده از ابزارهای خودگزارشی است که اعتبار اندازه‌گیری متغیرها را افزایش می‌دهد؛ چراکه سنجش کارکرد پرخاشگری تنها با شناخت از انگیزه درونی فرد میسر است که این موضوع برای فرد مرتکب پرخاشگری آشکارتر است (راین و همکاران، ۲۰۰۶). هم‌چنین توجه به سبک فرزندپروری والدین از نقطه نظر خود نوجوان می‌تواند سبب دقت بیشتر در سنجش این متغیر شود.

با این حال این پژوهش نیز با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است. نخستین محدودیت این پژوهش در کنار نمونه آماری کم آن جهت مقایسه مدل پیش‌بینی پرخاشگری کنشی در دو گروه جنسیتی، عدم دسترسی به گروه بالینی و افراد با نمرات بالا در پرخاشگری کنشی و واکنشی بود که سبب دشواری در شناسایی دقیق پیشایندهای دو گونه پرخاشگری به دلیل بروز هم‌زمان آن‌ها و در پی آن همبستگی زیاد میان این دو عامل می‌شد. از دیگر سوی، پرخاشگری و به خصوص پرخاشگری واکنشی به عنوان رفتاری شناسایی می‌شود که در طیفی از بهنجار تا نابهنجار قرار دارد؛ بنابراین در موارد بهنجار می‌تواند بقای فرد را ممکن سازد. در نتیجه بروز هم‌زمان پرخاشگری کنشی و واکنشی در میان افراد عادی دور از ذهن نیست که این امر می‌تواند سبب

دشواری در تفکیک و شناسایی مبانی و عوامل اختصاصی گونه‌های پرخاشگری شود. به همین دلیل شایسته است با توجه به ضریب آماری پایین در پژوهش فعلی، مطالعات بعدی جهت دستیابی به نتایج دقیق و معتبرتر در میان گروه‌های بالینی و نمونه‌های بزرگ‌تر تکرار شود. در این مطالعه از میان عوامل محیطی تنها به سبک فرزندپروری توجه شده است. بنابراین ممکن است عوامل دیگری هم‌چون سبک دلبستگی یا وضعیت اجتماعی و اقتصادی به عنوان عامل میانجی‌گری در این ارتباط نقش داشته باشند که در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته است، بنابراین در مورد نتایج این همبستگی لازم است با احتیاط عمل شود. هم‌چنین بررسی سبک فرزندپروری از نقطه‌نظر والدین و به صورت جداگانه در مورد هر والد نیز می‌تواند گستره‌ای از نتایج متفاوت یا مشابهی را به همراه داشته باشد که به فهم دقیق‌تر این عامل می‌انجامد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|--|
| 1. Ellis, Weiss, Lochman | 27. De La Torre-Cruz |
| 2. Naaijen, Mulder, Ilbegi | 28. Lopez |
| 3. Nelson & Trainor | 29. Nair |
| 4. Van Goozen | 30. Richards |
| 5. Blair | 31. Baumrind |
| 6. Etiological heterogeneity | 32. Kopko |
| 7. Atkins & Stoff | 33. Alink, Mesman, Van Zeijl, Stolk, Juffer, Bakermans-Kranenburg & Koot |
| 8. Polman, Orobio de Castro, Koops, Van Boxtel & Merk | 34. Authoritative |
| 9. Rappaport & Thomas | 35. Indulgent (permissive) |
| 10. Fite | 36. Authoritarian |
| 11. Nelson & Trainor | 37. Neglectful |
| 12. Vitaro, Gendreau, Tremblay & Oligny | 38. Hoskins |
| 13. Dodge | 39. Baker, Rain, Liu & Jacobson |
| 14. Proactive | 40. Supportive |
| 15. Reactive | 41. Brugman, Cornet, Smeijers |
| 16. Brendgen, Vitaro, Tremblay & Lavoie | 42. Smeets, Oostermeijer |
| 17. Jia | 43. Marcus |
| 18. Caron | 44. Haire, Black, Babin, Anderson |
| 19. Hubbard, McAuliffe, Morrow & Romano | 45. Perceived Parenting Style Questionnaire |
| 20. Freeze | 46. Naghashian |
| 21. flight | 47. Reliability |
| 22. fight | 48. Heidari, Dehghani & Khodapanahi |
| 23. Hot aggression | 49. Pakdaman & Khanjani |
| 24. Dadds & Rhodes | 50. Yaghubkhani Ghiasvand |
| 25. Bobadilla | 51. Validity |
| 26. Frustration-Aggression Theory | 52. Harsh |
| | 53. Steinberg |
| | 54. Combs-Ronto |

منابع

- آهنگر انزابی، ا.، شریفی درآمدی، پ.، و فرج‌زاده، ر. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر. *مجله پژوهش‌های علوم‌شناختی و رفتاری*، ۱، ۸-۱.
- پاکدامن، ش.، و خانجانی، م. (۱۳۹۰). نقش فرزندپروری ادراک‌شده در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و جمع‌گرایی در دانشجویان. *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱ (۴)، ۱۰۲-۸۱.
- حسینی قیداری، ا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با پرخاشگری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان خدابنده. اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، *مطالعات اجتماعی و فرهنگی*.
- حیدری، م.، دهقانی، م.، و خداپناهی، م. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری ادراک‌شده و جنس بر خود ناتوان‌سازی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۵ (۲)، ۱۳۷-۱۲۵.
- رضایی، ع. (۱۳۹۵). *مبانی نوروسایکولوژیک پرخاشگری کنشی و واکنشی با توجه به سبک فرزندپروری ادراک‌شده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.
- سجادی، م.، سرابیان، س.، و شریفی درآمدی، پ. (۱۳۹۲). مقایسه پرخاشگری نوجوانان بر اساس سبک‌های فرزندپروری والدین و سبک‌های دل‌بستگی والد - فرزند. *مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران*، ۳۱ (۴)، ۳۰۶-۲۹۸.
- عمرانی، ل. (۱۳۹۶). پیش‌بینی پرخاشگری بر اساس شیوه‌های فرزندپروری دانش‌آموزان دختر متوسطه اول پایه نهم شهرستان کهنوج. *مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۲ (۱۷)، ۳۶-۲۴.
- نقاشیان، ذ. (۱۳۵۸). *رابطه محیط خانوادگی و موفقیت تحصیلی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- یعقوب‌خانی غیاثوند، م. (۱۳۷۲). *رابطه محیط خانواده و پیشرفت تحصیلی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شیراز.

- Ahadi, S., Hejazi, M., & Entesar Fomany, G. (2014). Relationship between parenting styles and adolescent's identity and aggression. *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*, 4, 2231- 6345.
- Ahangareanzabi, A., Sharifidramadi, P., & Farajzadeh, R. (2011). [The Relationship between parenting style and adolescent's aggression in Shabestar City]. *Journal of researches of cognitive and behavioral sciences*, 1(1) 1-8 [in Persian].
- Alink, L. R., Mesman, J., Van Zeijl, J., Stolk, M. N., Juffer, F., Bakermans-Kranenburg, M. J., & Koot, H. M. (2009). Maternal sensitivity moderates the relation between negative discipline and aggression in early childhood. *Social Development*, 18(1), 99-120.
- Atkins Marc, S., Stoff., & David, M. (1993). Instrumental and hostile aggression in childhood disruptive behavior disorders. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 21(2), 165-178.
- Baker, L. A., Rain, A., Liu, J., & Jacobson, K. (2008). Differential genetic and environmental influences on reactive and proactive aggression in children. *Abnorm Child Psychol*, 36(8), 1265- 1278.
- Blair, R. J. (2016). The Neurobiology of impulsive aggression. *Journal of child and adolescent psychopharmacology*, 26(1), 4-9.
- Blair, R. J. (2010). Psychopathy, frustration and reactive aggression: The role of ventromedial prefrontal cortex. *British journal of Psychology*, 101, 383- 399.
- Bobadilla, L., Johnson, M. M., & Tylor, J. (2012). Proactive and reactive aggression are associated with different physiological and personality profiles. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 31(5), 458-487.

- Brendgen, M., Vitaro, F., Tremblay, R. E., & Lavoie, F. (2001). Reactive and proactive aggression: predictions to physical violence in different contexts and moderating effects of parental monitoring and caregiving behavior. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 29(4), 293-304.
- Brugman, S., Cornet, L. J., Smeijers, D., et al. (2017). Examining the reactive proactive questionnaire in adults in forensic and non-forensic settings: A variable- and person-based approach. *Aggressive Behavior*, 43(2), 155-162.
- Caron, K. M. (2011). *Reactive and Proactive Aggression: Validation of a two-factor Model in Relational Aggression Using Emotional Functioning Variables*, Doctor of Philosophy thesis, Florida state university.
- Combs-Ronto, L. A. (2008). *Social-Cognitive and Emotion Processing in Children's Aggression Descriptors, Predictors, and Precursors*, Doctor of Philosophy thesis, University of Michigan.
- Dadds, M., R., & Rhodes, T. (2008). Aggression in young children with concurrent callous-unemotional traits: can the neurosciences inform progress and innovation in treatment approaches? *Philosophical Transactions of the Royal Society, Biological Sciences*, 363(1503), 2567-2576.
- De La Torre-Cruz, M. J., Garcia- Linares, M. C., & Casanova- Arias, P. F. (2014). Relationship between parenting styles and aggressiveness in adolescents. *Electronic Journal of Research in Educational Psychology*, 12(1), 147- 170.
- Dodge, K. A. (1991). *The Structure and Function of Reactive and Proactive Aggression*. In D. J. Pepler & K. H. Rubin (Eds.), *The Development and Treatment of Childhood Aggression*. (PP: 201- 218), Psychology Press.
- Dodge, K. A., Harnish, J. D., Lonchman, J. E., Bates, J. E., & Pettit, G. S. (1997). Reactive and proactive aggression in school children and psychiatrically impaired chronically assaultive youth. *Journal of Abnormal Psychology*, 106(1), 37-51.
- Dwairy, M. (2004). Parenting styles and mental health of Palestinian-Arab adolescence in Israel. *Transcul Psychiatry*, 41(2), 233-252.
- Ellis, M. L., Weiss, B., & Lochman, J. E. (2009). Executive functions in children: associations with aggressive behavior and appraisal processing. *Journal of Abnorm Child Psychol*, 37(7), 945-956.
- Fite, P. J., Wimsatt, A. R., Elkins, S., & Grasseti, S. N. (2011). Contextual influences of proactive and reactive subtypes of aggression. *Child Indicators Research*, 5(1), 123-133.
- Haire, J. F., Black, W. C., Babin, B. J., & Anderson, R. E. (2009). *Multivariate data analysis*, 7th edition, Pearson.
- Heidari, m., Dehghani, m., & Khodapanahi, m. k. (2009). [The impact of perceived parenting style and gender on self-handicapping], *Journal of Family Research*, 5(2), 125-137 [in Persian].
- Hoeve, M., Dubas, J. S., Eichelsheim, V. I., van der Laan, P. H., Smeenk, W., & Gerris, J. R. (2009). The relationship between parenting and delinquency. *J. Abnorm. Child Psychol*, 37, 749-775.
- Hoseini Gheydari, A. (2014). [The association between parenting styles and aggression among elementary students in Khodabandeh city]. The first Global Conference on the Sustainable Development of Education and Psychology, Social and Cultural Studies, Tehran, Iran [in Persian].
- Hoskins, D. H. (2014). Consequences of Parenting on Adolescent Outcomes. *Societies*, 4, 506-531.

- Hubbard, J. A., McAuliffe, M. D., Morrow, M. T., & Romano, L. J. (2010). Reactive and proactive aggression in Childhood and adolescence: Precursors, outcomes, processes, experiences, and measurement. *Journal of Personality*, 78 (1), 95-118.
- Jia, S., Wang, L., & Shi, Y. (2014). Relationship between parenting and proactive versus reactive aggression among chinese preschool children. *Archives of Psychiatric Nursing*, 28, 152-157.
- Kopko, K. (2007). Parenting styles and adolescents. Informally published manuscript, cooperative extension, Cornell University, Ithaca, New York.
- Lopez, E. E., Perez, S. M., Ochoa, G. M., & Ruiz, D. M. (2008). Adolescent aggression: Effects of gender and family and school environments. *Journal of adolescence*, 31, 433-450.
- Marcus, R. F. (2007) *Aggression and violence in adolescence*, New York, NY: Cambridge university press.
- Naaijen, J., Mulder, L. M, Ilbegi, S., et al. (2018). Reactive/proactive aggression specific cortical and subcortical alterations in children and adolescents with disruptive behavior. bioRxiv.
- Naghshian, Z. (1989). [*The relationship between family environment and academic achievement*], Master thesis, Shiraz University [in Persian].
- Nair, S. S. (2014). *Association between respective parenting style and positive mental health among college students in the age group 18 to 24 years*. Master thesis Achutha Menon Centre for health science studies, Thiruvananthapuram University.
- Nelson, R. J., & Trainor, B. C. (2007). Neural mechanisms of aggression. *Neuroscience, Nat Rev Neurosci*, 8(7), 536-546.
- Omrani, L. (2018). [Prediction of aggression based on parenting styles among female high school students in Kahnuj], *journal of new advances in behavioral sciences*, 2(17), 24-36 [in Persian].
- Pakdaman, sh., & Khanjani, M. (2012). [The role of perceived parenting in the relationship between attachment and collectivism styles among university students], *Social Psychology Research*, 1(4) 81-102 [in Persian].
- Polman, H., de Castro, B. O., & van Aken, M. A. (2008). Experimental study of the differential effects of playing versus watching violent video games on children's aggressive behavior. *Aggressive Behavior*, 34(3), 256-264.
- Raine, A, Dodge, K., Loeber, R., Gatzke-Kop, L., Lynam, D., Reynolds, C., Stouthamer-Loeber, M., & Liu, J. (2006). The reactive-proactive aggression questionnaire: differential correlates of reactive and proactive aggression in adolescent boys. *Aggress Behav*, 32(2), 159-171.
- Rappaport, N., & Thomas, C. (2004) Recent research findings on aggressive and violent behavior in youth: implications for clinical assessment and intervention. *Journal of Adolescent Health*, 35, 260-277.
- Rezaei, A. (2016). [*Neuropsychological bases of proactive and reactive aggression considering perceived parenting style*]. Master thesis, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University [in Persian].
- Richards, B. (2012). *Exploring the association between parenting practices and aggressive behaviour in children*. Master thesis, Department of Psychology, University of Cape Town.
- Sadeghi, S., Farajzadegan, Z., Kelishadi, R., & Heidari, K. (2014). Aggression and violence among Iranian adolescents and youth: A 10-year systematic review. *Int J Prev Med*, Special issue 2, 83-96.

- Sajadi, M., Sarabian, S., & Sharifi Daramadi, P. (2014). [Comparison of teen aggression level based on parenting styles and parent-child attachment styles]. *Journal of medical council of Iran*, 31(4), 389-396 [in Persian].
- Smeets, K. C., Oostermeijer, S., Lappenschaar, M., Cohn, M., van der Meer, J. M. J., Popma, A., Jansen, L. M. C., Rommelse, N. N. J., Scheepers, F. E., & Buitelaar, J. K. (2016). Are proactive and reactive aggression Meaningful distinctions in adolescents? A variable- and person-based approach. *J Abnorm Child Psychol*, 1-14.
- Steinberg, L. (2000) Youth violence: do parents and families make a difference? *National Institute of Justice Journal*, 243, 30- 38.
- Trenas, A. F. R., Osuna, M. J. P., Olivares, R. R., & Cabrera, J. H. (2013). Relationship between parenting style and aggression in a Spanish children sample. *Social and Behavioral Sciences*, 82, 529- 536.
- Van Goozen, S. H. M., Fairchild, G., Snoek, H., & Harold, G. T. (2007). Evidence for a neurobiological model of childhood antisocial behavior. *Psychological Bulletin*, 133(1), 149-182.
- Vitaro, F., Gendreau, P. L., Tremblay, R. E., & Oligny, P. (1998). Reactive and proactive aggression differentially predict later conduct problems. *Journal of Child Psychol. Psychiat*, 39(3), 377-385.
- Yaghubkhani Ghiasvand, M. (1993), [The relationship between family environment and academic achievement]. Master thesis, Shiraz University [in Persian].
- Zabihi Hesari, N. K., & Hejazi, E. (2011). Mediating role of self-esteem in the relationship between the authoritative parenting style and aggression. *Social and Behavioral Sciences*, 30, 1724 - 1730.

